

تجربه‌اندوزی با نگاه به آینده



مصطفی درایتی
مشاور امور روحانیت
رییس‌جمهور دوران اصلاحات

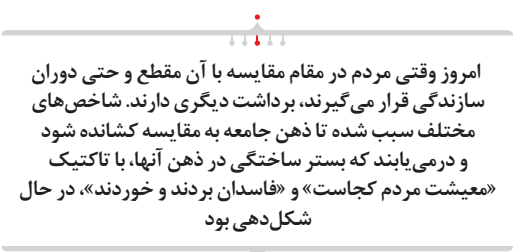
۱- در ابتدای سال ۸۴ و آغاز تبلیغات انتخابات دوره نهم ریاست‌جمهوری، موضوعات مطرح‌شده از سوی یکی از کاندیداها سبب شد تا برخی افشار جامعه نسبت به آن، حساس شوند. به نظر می‌رسید که حساس شدن نسبت به مسایل طرح‌شده، حتما باید دارای زمینه‌هایی در جامعه باشد و بدون «پیش‌پرداخت»، این‌گونه سبک‌های تبلیغاتی نمی‌تواند کارکرد لازم را برای بیان کنندگان آن داشته باشد. شاید طراحان آن سبک تبلیغات، می‌دانستند ابهاماتی که ممکن است شبیهانی را القا کند و به‌واسطه به‌ترهایی که در گذشته فراهم شده‌اند، کنجکاوِ بخش‌هایی از جامعه را برانگیزد و آنان را با علامت‌سوال‌هایی مواجه سازد، می‌تواند به یک برگ‌برنده برای انتخابات بدل شود البته بعدها مشخص شد، طراحان در پی این نبودند که گفته‌ها یا سخنان اینچنینی ممکن است چه تبعاتی برای کشور و باورهای عمومی جامعه در پی داشته باشند. به هر حال این روش، در مقابل افرادی به کار برده شد که بعضا احساس می‌شد که آن ابهام در جامعه به دلیل تبلیغات سوء یا تخریب آنان، زودتر به نتیجه می‌رسد. به نظر می‌رسید که هم زمینه‌های این تخریب از قبل فراهم شده بود و هم، اطلاعات درستی توسط آنانی که در معرض تخریب قرار داشتند در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته بود. ناگفته نماند برخی روش‌های استفاده‌شده توسط آنها نیز، در جامعه ایجاد ابهام می‌کرد؛ یعنی در زمانی که آنها در مسندن اجرا قرار داشتند، جامعه آمادگی پذیرش برخی طرح‌های اجراشده را نداشت یا حداقل سوءتفاهم را دامن می‌زد. در چنین زمان‌هایی طبیعتا اطلاع‌رسانی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد که به دلیل محدودیت‌های دوران اصلاحات، امکان‌پذیر نشد. فضاهای اطلاع‌رسانی بسته شده بود و بازار شایعات رونق داشت. طبیعی است که وقتی جامعه زمینه‌های اینچنینی داشته باشد، برخی افراد و جریان‌ها احساس می‌کنند که می‌توانند روی افکار عمومی تاثیر بگذارند.

جامعه در آن مقطع فکر می‌کرد از نظر اقتصادی دچار مشکلاتی است که فشارهایی را به معیشت آنها وارد می‌سازد. با ابزار موجود به مردم توضیح داده می‌شد که شرایط با توجه به رشد اقتصادی، تورم، اشتغال و… در شرایط نسبتا مطلوبی قرار دارد اما همان جریان مذکور، از یک سال قبل از آن تلاش کرد مطالبات جامعه را افزایش کند. امروز وقتی مردم در مقام مقایسه با آن مقطع و حتی دوران سازندگی قرار می‌گیرند، برداشت دیگری دارند. شاخص‌های مختلف سبب شده تا ذهن جامعه به مقایسه کشانده شود و درمی‌یابند که بهتر ساختگی در ذهن آنها، با تاکتیک «معیشت مردم کجاست» و «فلسان بردند و خوردند»، در حال شکل‌دهی بود. گویی گذشت این دوره هشت‌ساله لازم بود تا دوران‌های پیش از دولت فعلی، ارزیابی شود و مشخص شود چرا تاکتیک انتخابات دوره نهم، امروز نتیجه نمی‌دهد؟ پس باید درخصوص اطلاع‌رسانی و نوع رفتار با جامعه همواره توجه لازم را مبدول داشت تا شرایط برای افراد و جریان‌هایی که می‌خواهند با روش‌های تبلیغاتی میداناری کنند مساعدن نشود. اینجاست که شفافیت رفتار با افشار مختلف، اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد و جریانی که دولت آینده را تشکیل می‌دهد باید بداند با مشکلاتی که امروز مردم با آن مواجه هستند، اگر گفت‌وگوی صریح و بی‌واسطه و ارایه آمار دقیق از وضعیت کشور به مردم رعایت نشود، می‌تواند بار دیگر برای فرصت‌طلبان، محملی باشد تا به



سیدرضا اکرمی
نماینده ادوار مجلس

کارنامه آقای احمدی‌نژاد را باید در دو بخش مورد بررسی قرار داد؛ یکی مربوط به حضور ایشان در دولت نهم ریاست‌جمهوری و دیگری در دولت دهم. بر این اساس می‌توان چنین گفت که انتخابات دوره دهم ریاست‌جمهوری در کل آغاز نامناسبی داشت. من معتقدم شروع برخی وقایع تلخ همزمان با پیش منظره‌های انتخاباتی در تلویزیون بوده است؛ یعنی همزمان با آن مناظرعای که در میان محبت‌ها به رییس مجلس خبرگان و رییس مجمع تشخیص مصلحت



روش‌های اتهام‌زنی و مدیریت روانی، به آنچه می‌خواهند دست یابند.

۲- در دوران اصلاحات تلاش شد تا برخی فضاسازی‌های کاذب درباره مسوولیت‌رسمی و مناصب در کشور، به‌حداقل ممکن برسد.نگرانی‌رییس‌جمهور دوران اصلاحات این بود که مبدا فاصله نگاه مردم از مسوولان فرائز از حدی شود که حتی برای یک مسوول کشور که سال‌ها در مقامات ارشد بوده و به آنها خدمت کرده است، حتی یک زندگی متوسط به بالا را هم برنتابند. در حالی که در کشورهای دیگر می‌بینیم عمده مسوولان آنها افراد ثروتمندی هستند و اتفاقا این ضد ارزش نیست و از جهاتی نیز مفید است چه اینکه مثل جریانات بی‌شناسنامه عمل نمی‌کنند که اختلاس‌ها و خلاف‌های کلان در پرونده آنها در هنگام مسوولیت، دیده شود. در گذشته به دلیل برخی تبلیغات نادرست، مردم میان مسوولان کشور با برخی مشاهیر و بزرگان دینی ما، مقایسه‌هایی صورت

تفکیک دو دوره

نظام، آیت‌الله هاشمی‌فسنجانی یا به حجت‌الاسلام‌والمسلمین ناطق‌نوری که عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است اتهام زده شد. در همان‌جا حریم‌ها شکسته شد و دیوارهای حرمت و احترام تا حدودی صدمه دید. البته این شروع با غرورها و غفلت‌ها ادامه پیدا کرد و مسایل بعدی و بعدی را پیش رو قرار داد که در نهایت به شکل‌گیری مجموعه آن وقایع انجمید که متأسفانه پیامدها و آسیب‌های آن همچنان ادامه دارد. در نتیجه باید با ظرافت و دقت در رابطه برخی اتهامات فاقد سند و بیان آن در تریبون‌های عمومی، اندیشید و تجدیدنظر کرد. سخنانی که رییس دولت در جلسه استیضاح وزیر کار و امور اجتماعی، روز طرح سوال مجلس از ایشان و همچنین سفرهای استانی از آغاز دولت نهم بیان

سیاست

زاویه‌ای

غیر از سیاست

در این هفت سال که او به‌عنوان رییس‌جمهور ایران بر جایگاه ریاست‌جمهوری نشسته است، تحلیل‌ها و تجلیل‌های فراوانی از او شده که بیشترین آن از سوی سیاستمداران و فعالان سیاسی بوده و جامعه‌شناسان و روانشناسان سهم اندکی در این تحلیل‌ها داشته‌اند. پرواضح است در زمانه‌ای که به همه چیز از دریچه سیاست نگاه می‌شود ارایه یک تحلیل روان‌شناختی از شخصیت و رفتارهای ریاست قوه مجریه دشوار است و همین دشواری سبب شده است که روانشناسان کشور به تحلیل شخصیت سیاستمداران علاقه‌ای نشان ندهند. البته این موضوع در کشورهای دیگر به‌گونه‌ای دیگر بررسی علمی و دقیق از شخصیت

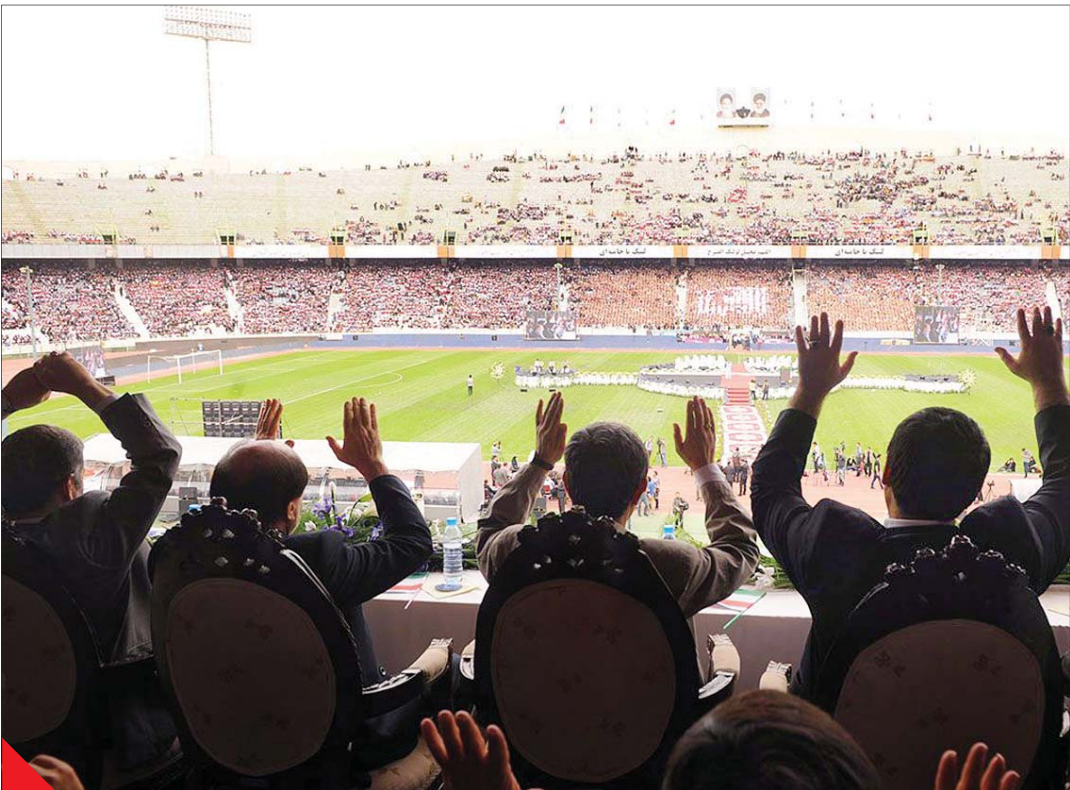
روانشناسان امکان انجام مصاحبه‌های بالینی باسیاستمداران و حتی اجرای برخی تست‌های شخصیت‌شناسی را برای آنها دارند. مانع دیگر، عدم امکان بررسی علمی و دقیق از شخصیت

روانشناسان شخصیت ارایه هرگونه تحلیل درست از شخصیت افراد را منوط به انجام آزمون‌های روانشناسی و مصاحبه‌های بالینی دانسته‌اند و اگر چسه تحلیل‌هایی که بدون انجام این دو مورد ارایه می‌شوند را به کلی رد نکرده‌اند اما دقیق و علمی نمی‌دانند.

از سوی دیگر، تحلیل رفتارها و شخصیت سیاستمداری همچون محمود احمدی‌نژاد از منظر روانشناسی امری است که فقدان آن در میان تحلیل‌های سیاسی آزاردهنده شده و موجب ارایه تصویری نادرست و مخدوش از سوی دوستان و مخالفان او شده است.

روانشناسان در میان انگیزه‌های آدمی سه انگیزه را مهم‌تر دانسته‌اند که عبارت از؛ انگیزه قدرت، انگیزه پیشرفت، انگیزه پیوندجویی.

بررسی این انگیزه‌ها در سیاستمداران از آن جهت که درک درستی از رفتارهای سیاسی آنان به دست می‌دهد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. بر اساس بررسی رفتارهای آشکار و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های رییس‌جمهوری می‌توان گفت که احمدی‌نژاد در هر سه انگیزه در سطح بالایی قرار دارد.



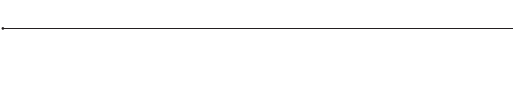
عکس سلیت نهاد ریاست‌جمهوری

می‌گرفت که البته از سوی مقامات، همواره رد می‌شد که برای نمونه، زندگی امیر مومنان که برای مردم توصیف شده است، باید در این دوره هم مایه‌ازا داشته باشد، حال آنکه اگر مناصب و مسوولیت‌های رسمی، قابل کنکاش بوده و براساس شرایط روز تحلیل شود به متعادل شدن انتظارات می‌انجامید و موج‌سواران نمی‌توانستند از آن بهره‌برداری کنند.

هم‌زبستی با مردم و ساده‌زبستی، امری ایجابی است که به این سادگی از

سوی مردم پذیرفته نمی‌شود. وقتی فردی مدعی شود که در جیبی این‌قدر پرونده وجود دارد، راحت‌تر از فعالیت‌هایی است که باید در گفت‌مان و سیاست‌ها خود را بیشتر نشان دهد.

۳- از عدم وجود تحزب به عنوان یکی دیگر از آسیب‌هایی نام می‌برند که باعث می‌شود برخی حربه‌های تبلیغاتی به نام افشاکاری در جامعه اثر کند. این آسیب سبب می‌شود اشخاص به‌جای جریانات، به قدرت دست یابند و در صورت عدم توفیق و مشخص شدن کاستی‌ها، هیچ جریانی هم آن را بر عهده نگیرد.خاصیت احزاب در کشورهای توسعه‌یافته، آماده کردن کار اجرایی و شکل‌دهی درست افکار عمومی است؛ اینکه برنامه به‌جای دستاویزی مانند تهدید به افشاکاری بیان شود. همچنین مانع از تحمیل سرخوردگی غیرقابل جبران در کشور می‌شود چراکه انتخابات توسط احزاب سامان داده می‌شود. ایجاد فرهنگ برای اینکه هرکسی اگر شعاری داد و انتهایی وارد کرد، باید نیت واقعی او را شناخت، امری است که همه جریان‌ها، نخبگان و رسانه‌ها باید برای آن تلاش کنند.



کرده و در سفرهای اخیر، جهت و شتاب تندتری به‌خود گرفته است، امری سازنده برای اداره کشور به شمار نمی‌رود. مساله تجلسات که در دنیای کنونی، یک کشور با مدیریت خردگرا، تعامل با همه قوا، نهادهای و ساختارها، استفاده از تجربیات مدیران گذشته و تأکید بر استفاده از نظرات کارشناسی، به پیشرفت و توسعه می‌رسد و مسیرهای دیگر، انحراف و دردرس‌آفرین است. علاوه بر آنچه که بیان شد باید این را نیز اضافه کنم که گاهی اطرافیان نیز در قبال این‌گونه رخدادها بی‌تقصیر نیستند. این اطرافیان موظفند تذکر، تنبیه و هشدار دهند؛ اما این کار را انجام نمی‌دهند و در برابر گاهی همین افراد به تشویق، تعریف و تمجید نیز می‌پردازند که بااین عمل موجب می‌شوند که مطلب برانسان مشتبه شود و باور انسان تغییر کند و وقتی در باور انسان تغییر ایجاد شود، به نظر من نتیجه همین چیزی می‌شود که در حال حاضر شاهد آن هستیم.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت۳۴۸									
۸	۹	۳	۴						
۶		۴			۵		۳		
	۷		۱	۹					
۱		۴		۷					
	۲		۶		۵	۸			
				۱			۹		۷
		۸		۹		۵			۳
	۳						۸		

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌دهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۶۹۹									
۲	۶	۹	۷	۱					
۷	۴	۱		۳	۶				
۵	۳			۶					
۱	۸	۴	۹		۲	۱	۹		۷
			۹	۸					۴
۸		۴		۶					۳
		۲	۵		۳			۷	
	۲	۷	۶		۸		۹		
۹	۴			۲	۸				

حل سودوکو ۶۹۸									
۵	۲	۶	۹	۸	۷	۴	۱	۳	
۳	۴	۱	۷	۸	۵	۲	۶		۹
۷	۱	۸	۳	۵	۹	۶		۲	۴
۶	۵	۹	۱	۲	۴	۷	۳	۸	
۱	۷	۳	۸	۴	۶	۵	۲		۹
۴	۸	۲	۷	۶	۵	۱	۳	۹	
۲	۸	۱	۵	۹	۳	۷	۴		۶
۳	۶	۷	۴	۱	۹	۵		۸	

ادامه از صفحه ۷

روش بی‌نتیجه

این نوع رقابت دارای ویژگی‌های ممتاز، هوشمند و سالم است که اجزای یک حکومت برای بهتر اداره کردن و حذف فساد، ناکارآمدی و زدوبند و فریب با هم انجام می‌دهند و طبیعی است که در این حوزه‌ها ممکن است که بخش پنهان مربوط به حوزه رقیب اعم از احزاب یا افرادی که در معرض انتخاب هستند را برای افکار عمومی رو کنند.این بخش از رقابت جدای از حوزه‌ای است که افراد به نمایندگی از مردم، به فعالیت مشغول هستند. رسانه‌ها، تشکل‌های مردم نهاد، صنفی و… چنین وظایفی دارند که در صورت بروز ناکارآمدی یا اقدام خلاف قانون یا خلاف مصالح ملی، بتوانند آن را به افکار عمومی که مرجع نهایی تصمیم‌گیری هستند، ارایه کنند.

۳- در این چارچوب، «فشاکری» به نوعی برمال کردن نقاط ضعف رقیب و دروغ گفتن یا اقدامات خلاف قانون آنان در هر حوزه‌ای است که البته به شدت در افکار عمومی با حساسیت دنبال می‌شود و طبیعی است که جریان حاکم مجبور به عکس‌العمل سریع بر اساس خواست افکار عمومی خواهد شد. در این مواقع جریان حاکم یا باید به دفاع روشن و دقیق بپردازد یا استعفا دهد یا حزب حاکم فرد خاطی را از راس خود و طبیعتا دستگاه رسمی خارج کند. اتفاقی که در این سالیان در غرب رخ داده، در کشورهایی که بعضا مورد انتقاد مانیز قرار می‌گیرند و ارزش‌های آنها را بر نمی‌تابیم، این امر مشاهده می‌شود که گرچه مسلمان نیستند اما روش‌های آنها با تعالیم عالی اسلام همخوانی دارد. به‌طور مشخص شما می‌بینید که حتی رییس‌جمهوری آلمان به‌دلیل اینکه در یک ماجرای از یک فسر، واهی را دریافت کرده بود برکنار می‌شود یا وزیر خزانه‌داری فرانسه به دلیل فساد مالی، ناچار به کناره‌گیری و عذرخواهی از افکار عمومی است. همچنین وزیر دفاع آلمان با موردی مشابه مواجه شد و وزیر کشور انگلستان هم به‌دلیل اینکه برای یکی از دوستشش با استفاده از امکانات دولتی، بلیت زرزو کرده بود، ناگزیر از استعفا شد. اینچنینی است که رعایت درست این اصل و مستند بودن مدعا سبب می‌شود فرد خاطی به‌دلیل برمال شدن نقطه ضعف و کاستی خود، استعفا دهد یا اخراج شود یا با عذرخواهی رسمی، به کارش ادامه دهد.

۴- اما اینکه چرا در کشور ما این روش نتوانسته به نتیجه برسد، دلایل قابل تاملی دارد. ما از فقدان ابزارهایی که بتواند این روند را در حوزه سیاست تبدیل به یک روند نهاده‌بد، رنج می‌بریم. با نگاهی به روند سال‌های اخیر و سوءاستفاده‌هایی که به اسم افشاکاری صورت گرفته، می‌توان گفت که افشاکاری‌ها نه در جهت احقاق حقوق مردم و جامعه‌ای که باید افراد از آن رای بگیرند اتفاق افتاده، بلکه بیشتر ابزاری برای رقابت جریان‌هایی بوده که می‌خواستند رقیب را به هر قیمتی حذف کنند تا خودشان بیشتر به ساختار رسمی نزدیک شوند. آنها بدون اینکه نگران افکار عمومی و منافع ملی تاثیرگذار باشند صرفا به دنبال منافع باندی و جریانی خود هستند. روندی که تحت‌عنوان افشاکاری در سال‌های گذشته اخیر شاهد بودیم که متأسفانه، نه تنها نتیجه‌ای برای افزایش کارآمدی و بهینه‌سازی یا حذف افراد خطا کار در بر نداشت، بلکه موجب تخریب چهره‌هایی شد که سالیان سال سعی کردند در خدمت نظام سیاسی باشند. به‌طور طبیعی این روش کوتاهمدت، بدون ارایه سند و شاهد، تحقیرقا به چنین نتیجه‌ای می‌رسید



و این در حالی است که اگر قرار به کشف موضوعی باشد و گفته شود فلان فرد در زمان مشخصی توانسته از محدوده پیگرد قانونی فرار کند و در مسیر منافع شخصی خودش و در جهت خلاف منافع عمومی، مسیر خطایی رفته و نهایتا چه سوءاستفاده‌ای را مرتکب شده است، حمدا در ازای سندی چنین ادعایی مطرح شده و آن سند قابل ارایه در منظر افکار عمومی و دستگاه قضایی است.

وقتی مشاهده می‌شود در رقابت‌ها بیشتر با زدن برچسب‌ها و طرح مسایل کلی و بدون استناد، بیشتر نوعی تخریب در دستور کار بوده که این به هیچ‌وجه برای فرد گوینده کارساز نبوده است، همان فرد وقتی به دستگاه مورد نظر خود راه می‌یابد و مثلاً در موقعیت مدیر قرار می‌گیرد، نمی‌تواند در تریبون‌های رسمی که به نمایندگی از مردم در اختیار دارد بگوید نام‌هایی در جیب دارم که فساد کلان مرتکب شده‌اند و هربار این نکته را تکرار کند اما مردم شاهد باشند که هیچ اتفاقی نمی‌افتد. مردم حتما به او می‌گویند مگر نمی‌تواند از وزیر دادگستری بخواهد تا در دستگاه قضایی طرح مساله کند و از مسیری که قانون معین ساخته است، به استیفای حقوق ملت بپردازد؟ طبیعی است اگر کارشکنی در این مسیر صورت گیرد، آن را هم می‌تواند با سند با مردم در میان بگذارد نه اینکه در سخنرانی خود موج ایجاد کند و سپس همه چیز به فراموشی سپرده شود. این کار کردهای مقطعی، بسیار زود تاریخ انقضای خود را می‌گذرانند.

۵- این بدترین شیوه‌ای است که یک مسوول می‌تواند استفاده کند. حال اگر او صرفا یک نامزد انتخاباتی باشد و وعده دهد که در چهارسال آینده به یک مساله‌ای رسیدگی می‌کند، شاید قابل بررسی باشد اما وقتی هشت‌سال بر کرسی ریاست‌جمهوری نشسته و اتفاقی رخ نداده است، باور و اعتماد عمومی نسبت به این روش و اظهارات، رنگ می‌یازد.

مردم می‌گویند آن فرد بالاترین قدرت اجرایی کشور بوده و همه در خدمت وی بودند پس چرا حداقل تلاش نکرده تا با یک دستورالعمل ساده، کار را به نتیجه برساند یا حداقل پیگیری‌های دقیق و مستند خود را به مردم اطلاع دهد؟ اینکه هیچ‌کدام از این راه‌ها را نرفته و همچنان آدرس‌های بی‌نام و نشان و فاقد سند ارایه کند، حس بی‌اعتمادی نسبت به آن مسوول را در میان مردم در پی خواهد داشت.